

راز و رمز های ناگفته برای ثروتمند شدن

[info@vanizan.com](mailto:info@vanizan.com)

[tamousavi7@gmail.com](mailto:tamousavi7@gmail.com)

وبسایت: [www.vanizan.com](http://www.vanizan.com)

<http://vanizan.sellfile.ir/>

نویسنده: مهندس سید فخرالدین موسوی صالح

تابستان ۱۳۹۵

تقدیم به تمام کسانی که دنبال کشف قوانین کائنات اند

یک روز وقتی کارمندان به اداره رسیدند، اطلاعیه بزرگی را در تابلو اعلانات دیدند که روی آن نوشته شده بود :  
دیروز فردی که مانع پیشرفت شما در این اداره بود درگذشت!! . شما را به شرکت در مراسم تشییع جنازه که ساعت ۱۰ صبح در سالن اجتماعات برگزار می شود دعوت می کنیم .

در ابتدا، همه از دریافت خبر مرگ یکی از همکارانشان ناراحت می شدند اما پس از مدتی ، کنجکاو می شدند که بدانند کسی که مانع پیشرفت آن ها در اداره می شده که بوده است .

این کنجکاو ، تقریباً تمام کارمندان را ساعت ۱۰ به سالن اجتماعات کشاند. رفته رفته که جمعیت زیاد می شد هیجان هم بالا رفت. همه پیش خود فکر می کردند: این فرد چه کسی بود که مانع پیشرفت ما در اداره بود؟ به هر حال خوب شد که مرد !!

کارمندان در صفی قرار گرفتند و یکی یکی از نزدیک تابوت رفتند و وقتی به درون تابوت نگاه می کردند ناگهان خشکششان می زد و زبانشان بند می آمد .

آینه ای درون تابوت قرار داده شده بود و هر کس به درون تابوت نگاه می کرد، تصویر خود را می دید. نوشته ای نیز بدین مضمون در کنار آینه بود :

تنها یک نفر وجود دارد که می تواند مانع رشد شما شود و او هم کسی نیست جز خود شما. شما تنها کسی هستید که می توانید زندگی تان را متحول کنید. شما تنها کسی هستید که می توانید بر روی شادی ها، تصورات و وموفقیت هایتان اثر گذار باشید. شما تنها کسی هستید که می توانید به خودتان کمک کنید .

زندگی شما وقتی که رئیس تان، دوستانتان، والدینتان، شریک  
زندگی تان یا محل کارتا تغییر می کند، دستخوش تغییر نمی  
شود .

زندگی شما تنها فقط وقتی تغییر می کند که شما تغییر کنید،  
باورهای محدود کننده خود را کنار بگذارید و باور کنید که شما  
تنها کسی هستید که مسوول زندگی خودتان می باشید .

مهم ترین رابطه ای که در زندگی می توانید داشته باشید،  
رابطه با خودتان است .

خودتان امتحان کنید. مواظب خودتان باشید. از مشکلات، غیر  
ممکن و چیزهای از دست داده نهراسید. خودتان و واقعیت  
های زندگی خودتان را بسازید .

دنيا مثل آينه است

به راحتی می تونی کنترل زندگیت رو به دست بگیری و اون رو هدایتش کنی. و به نظر من این نهایت قدرت و بهترین هدیه ای که میشه به یک فرد داد. قدرت خلق زندگی... قدرت کنترل زندگی...

می دونی این قدرت چی رو بهت میده؟ این قدرت این امکان رو بهت میده که در هر لحظه از زندگیت انگشت اشاره ات رو به سمت خودت بگیری... میگی خودم کردم... فرمولش رو یاد گرفتم، انجامش دادم و این شد. به همین راحتی! درست عین دو ضربدر دو که میشه چهار... و اگر هم گهگاهی در زندگیت با شرایط و اتفاق هایی رو به رو شدی که اوضاع مطابق میل تو نبود، نمیگی تقصر اینه، امان از مردم... خدا نخواست... مامانم نداشت ... پارتی نداشتم که نشد... شرایط بده... اوضاع خرابه... نه!!!

تمام دنیا و شرایط بیرونی و آدم های دور و برت رو فراموش می کنی و انگشت اشاره ات رو می گیری به سمت خودت... مسئولیت می پذیری... میگی آره... الان اون ثروتی که می خوام رو ندارم؟ اون رشته ی دانشگاهی رو ندارم؟ شغل و زندگی ایده آلم رو ندارم؟ اون رابطه ی عاطفی، کسی که می تونه زندگی من رو با معنا تر کنه رو ندارم؟ اون شغل به خصوص، اون هدفی که می خوام رو ندارم؟

قبول... کاملاً درسته... در حال حاضر اونها رو ندارم. اما فقط من، مسئول زندگی خودم هستم، پس حالا که من مسئول زندگی خودم هستم و این من هستم که زندگی خودم رو خلق می کنم چگونه می تونم این شرایط رو تغییر بدم و شرایط ایده آل و مورد نظرم رو خلق کنم؟

و به محض اینکه خودت رو در این موقعیت ذهنی قرار میدی...  
مسئولیت رو می پذیری و به جای اینکه گیر  
بدی به شرایط و آدم ها، از خودت می پرسی چگونه می تونم  
تغییرش بدم؟ چگونه می تونم شرایط ایده  
آل و دلخواهم رو ایجاد کنم؟ چگونه این همه پول؟ چگونه اون محبوب؟  
چگونه اون رابطه عاطفی؟ چگونه  
اون رشته دانشگاهی؟ چگونه اون شغل؟ و...  
به طرز شگفت انگیزی ایده هایی به ذهنت می رسه... پیشنهاد  
هایی بهت میشه... افرادی در مسیر  
زندگیت قرار می گیرن و خیلی عجیب و غریب اتفاق هایی در زندگیت  
می افته

چون ما انسانها اصولا برای رسیدن به هر دستاوردی به دو نوع تلاش نیاز داریم:

(1) تلاش جسمی

(2) تلاش ذهنی

حالا به نظرت لازمه چند درصد تلاش جسمی داشته باشیم و چند درصد تلاش ذهنی تا به اهداف و خواسته هایی که داریم برسیم؟ فکر کن 70... درصد تلاش جسمی؟ 80 درصد تلاش ذهنی؟ نه!!! برای رسیده به هر هدف و خواسته ای فقط و فقط یکی دو درصد تلاش جسمی نیاز هست و بقیه 98 درصد تلاشی که باید انجام بشه تلاش ذهنیه... که بیای و باورهای رو اصلاح کنی... تکنیک هایی که در ادامه بهت آموزش میدم رو یاد بگیری و بر اونها مسلط بشی... تا در نهایت این 98 درصد تلاش ذهنی هم تکمیل بشه. و نکته جالب اینکه به محض اینکه این تلاش های ذهنی رو انجام میدی فقط کافیه چند قدم فیزیکی برداری تا به هدفت برسی و واقعا باورت نمیشه که چطوری با این سرعت و به این راحتی، اتوماتیک وار کارهای داره درست میشه و جلو میره. اصلا باورت نمیشه... اصلا زمین و زمون به هم دوخته میشه و اتفاق های عجیب و باورنکردنی ای می افته که تو رو به خواسته و هدفی که داری می رسونه.. و دقیقا هم به همین علته که **تفکر ساعه افضل من عبادته سبعینه سنه** که یک ساعت تفکر... یک ساعت تلاش ذهنی، بهتر از هفتاد سال عبادت و تلاش جسمیه! یعنی این یک ساعت تلاش ذهنی اصولی به قدری قدرتمنده و می تونه زندگی تو رو تغییر بده که اون هفتاد سال تلاش جسمی نمی تونه... راز اینجاست.

ما در دنیایی فیزیکی بزرگ شدیم که دنیای علت ها نیست، بلکه دنیای معلول هاست. و متاسفانه دنیای علت هارو که دنیای متافیزیکه فراموش کردیم و یا آشنایی چندانی باهاش نداریم و چون تمام ذهن منطقی و ضمیر خود آگاه ما متوجه همین دنیای فیزیکیه، سالیان سال اینگونه تربیت شده و عادت کرده که فقط چیزی رو باور کنه که می بینه، بنابراین تنها چیزهایی رو باور میکنه که می بینه.

بنابراین اگر غرق در پول و ثروت و ماشین های آخرین مدل باشی و افرادی دور و برت باشن که این دستاوردها رو دارن یا به راحتی می تونن به هر هدفی که دارن برسن، ذهنت اینها رو به عنوان واقعیت می پذیره و باور می کنه که تو می تونی ثروتمند باشی، می تونی به هر هدفی که برای خودت تعیین می کنی برسی و ... و با توجه به محیطی که این باور ها رو به ذهنت داده و این باور ها در تو شکل گرفته ناخودآگاه باور می کنی که برای تو چیزی به نام غیر ممکن وجود نداره و به راحتی می تونی هر رویایی که داری رو به واقعیت تبدیل کنی.

به عبارت دیگه دنیا از هزاران بخش تشکیل شده که درست مانند منظومه شمسی، هر بخش از دنیا یک مدار به خصوص رو تشکیل میده و هر فرد بر اساس باورها و نگرش هایی که داره در یکی از این مدارها قرار می گیره. بنابراین این فرد فقط چیزهایی رو میبینه، اتفاق هایی برایش می افته، با افرادی مواجه میشه که در اون مدار به خصوص قرار دارن، ایده هایی به ذهنش میرسه که هم فرکانس و هماهنگ با مداریه که در اون قرار داره. این فرد هیچ گونه دسترسی ای به منابع و اطلاعات سایر مدارها نداره، مگر اینکه قادر باشه مدار فعلیش رو تغییر بده که این تغییر مدار تنها با تغییر باورهایی که داره صورت میگیره.





به عنوان مثال، انسانی که در مدار فقر قرار دارد و باورهای فقیرانه ای دارد، در مداری قرار دارد که هر روز فقط آدم های فقیر رو می بیند، کارهایی بهش پیشنهاد میشه، وام هایی بهش داده میشه که هر روز فقیرترش می کنه، ایده هایی به ذهنش میرسه که فقط فقیرترش میکنه، چون در مدار فقر قرار گرفته و مدام اتفاق هایی براش می افته که این باورهای فقیرانه رو به معرض نمایش میگذاره.

اما انسانی که در مدار ثروت قرار دارد، و به عنوان مثال بر این باوره که می تونه ماهی 50 میلیون تومان درآمد داشته باشه، چون در مدار 50 میلیون قرار داره مدام ایده هایی به ذهنش میرسه، اتفاق هایی براش می افته، با افرادی مواجه میشه که در نهایت این فرد رو به درآمد ماهیانه 50 میلیون تومان می‌رسونه.

نکته جالب اینکه چون این فرد در این مدار 50 میلیون تومانی قرار داره، نه میتونه به درآمد 200 میلیون تومان در ماه برسه و نه مثلا درآمد 10 میلیون تومان در ماه، چون به اطلاعات و منابع هیچ کدام از این دو مدار دسترسی نداره.

این امر در مورد تمامی جنبه های زندگی در مورد تک تک افراد صدق می کنه.

و ذهنت وقتی که هدفی رو بهش میدی و هدفی براش تعیین می کنی، با توجه به مداری که در اون قرار گرفتی بهت پاسخ میده که آیا می تونی به این هدف برسی یا نه. آیا مداری که در حال حاضر در اون قرار گرفتی به چنین منابعی که بتونه تو رو به هدفت برسونه دسترسی داره یا برای رسیدن به این هدف ویژه لازمه که مدارت رو تغییر بدی؟

**بنابراین زمانی که چیزی رو در ذهنت تجسم می کنی در حالی که در مدار اون خواسته قرار نداری، ذهنت و ضمیر خود آگاهت دقیقا می دونه که این تجسم واقعی نیست و فقط یک خیال پردازی صرفه.**

حفره های ذهنی دام ها و حفره هایی هستند که در اثر بی توجهی و نادیده گرفتن ضمیر خود آگاه ایجاد میشوند

از امروز به بعد بزرگترین تغییری که در تعامل با ضمیر خود آگاهت باید ایجاد کنی اینه که سعی کنی اون رو مثل یک کشتی کروز هدایت کنی و نه یک جت جنگی. اگر این کار رو انجام بدی، به طور حتم و قطع به یقین می تونی روی ضمیر خودآگاهت به عنوان یک شریک و حامی در دستیابی قطعی به هر هدف و رویایی که داری حساب کنی. این کار رو انجام بده تا با چشم خودت ببینی که چقدر سریع و راحت می تونی باورهای غلط و مسیر ذهنیت رو تغییر بدی و در عین حال دیگه هیچ حفره ی ذهنی ای رو هم ایجاد نمی کنی و در نتیجه می تونی به موفقیت ها و دستاوردهای عالی و بی نظیر و در عین حال پایدار و همیشگی بررسی!

برای دریافت کتاب کامل وسایر مقالات لطفا کلیک کنید

[/HTTP://VANIZAN.SELLFILE.IR](http://VANIZAN.SELLFILE.IR)

[/HTTP://VANIZAN.SELLFILE.IR](http://VANIZAN.SELLFILE.IR)

## چرا تغییر نمی کنیم؟

یکی از فیلم های مورد علاقه من فیلمه فارست گامپه. فارست گامپ داستان کسیه که نمی دونه ناخودآگاه ازش انتظار میره که بهترین دستاوردها و موفقیت ها رو داشته باشه، اما دقیقا همینطوری عمل می کنه. در یکی از سفرهایش پینگ پنگ رو امتحان می کنه و وقتی که به خودش میاد میبینه رسیده به سطح مسابقات جهانی! دوستاش رو از مرگ حتمی نجات میده و ... موفقیت های زیادی که در طول فیلم به دست میاره... اما جالبه بدونید که اون فرد اینقدر باهوش نبود که بدونه افراد عادی نمی تونن چنین دستاوردها و موفقیت هایی داشته باشن.

همه ی ما در جوونی مون به نوعی پروگرم شدیم و می دونیم که مسیر کلی زندگی ما به چه سمتیه و چه

محدودیت هایی داریم. هیچکس به ما نگفته که مثلا " تو وکیل می‌شی و سالی ۳۰۰ میلیون تومن درآمد داری" یا " تو نجار می‌شی و سالی ۲۰ میلیون درآمد داری". بلکه با توجه به تجربیات و اطلاعاتی که از والدینمون و دیگران در طول سال‌های سال دریافت کردیم، یک تصویر ناخودآگاه ذهنی از فردی که باید باشیم، درآمدی که شایستگی و توان داشتش رو داریم، میزان جذابیتی که داریم و به طبعش اینکه همسر ما چقدر می‌تونه جذاب باشه و ... رو در ذهن خودمون شکل می‌دیم.

اگر در هر لحظه‌ای از زندگی، در هر کدوم از این حیطه‌ها، به دستاورد‌ها و موفقیت‌هایی بیشتر از محدودیت‌های ذهنی‌ای که برای خودمون قائل شدیم برسیم، سر و کله‌ی خود تخریبی پیدا می‌شه تا ما رو به همون مسیر قبلی، همون روش زندگی قبلی، برگردونه.

علت اینکه این اتفاق می‌افته اینه که ذهن ما نمی‌خواد ما آسیب ببینیم یا احساس ناراحتی داشته باشیم و رنج ناشی از قرار گرفتن در یک موقعیت ناشناخته که محدودیت‌های قبلی ما رو نقض می‌کنه رو حس کنیم.

علت اصلی وجود عاملی به نام خود تخریبی، محافظت و مراقبت از ماست تا ما رو در یک حالت ایمن قرار بده، و یا ما رو به خاطر نقض الگوها و پروگرامینگ والدینمون و یا سایرین تنبیه کنه. اون ما رو به اتاق خوابمون میفرسته چون بد بودیم... هم بازی‌های ما رو از ما میگیره چون بد بودیم... درسته که این جمله‌ها بعضی از ما رو به یاد کودکی هامون میندازه... اما ما، هنوز هم مثل بچه‌ها زندگی می‌کنیم... و فکر می‌کنیم که این محیطه که داره ما رو کنترل می‌کنه، و به همین دلیل هنوز هم که هنوز تنبیه می‌شیم.

پس اولین نکته‌ای که تا اینجا یاد گرفتیم اینه که عاملی به نام هومیو استیسیس یا خود تخریبی در ما هست که یک سکه دو روئه. یک روی اون ما رو تنبیه می‌کنه و روی دیگه اون با نگه داشتن ما در منطقه امن و راحتی فعلی مون، سعی می‌کنه تا از ما محافظت کنه.

راجع به این موضوع فکر کنید. اگر بیشتر از انتظاری که از خودتون دارید و باورش کردین پول در بیارین، هومیو استیسیس فوراً دست به کار میشه تا این حالت جدید و ناشناخته رو از بین ببره و شما رو به روال زندگی قبلی برگردونه، به همین دلیل شما شغل پردرآمدی که به تازگی به دست آورده بودی رو از دست میدی و اخراج می‌شی... چرا؟ چون به طور کامل اتفاقی و ناگهانی شرکت تصمیم میگیره تعدیل نیرو کنه... یا به فروشگاه‌های مختلف میری و حسابی خرید می‌کنی... چرا؟ چون خرید کردن با مزه است!!! باحاله! اما چیزایی میخوری که اصلا به درد نمی‌خوره و شاید یک بار هم از شون استفاده نکنی.

اگه یه مقداری از اضافه وزن رو از دست بدی، یادت میاد قبلا که لاغر تر بودم فلان مشکل واسم پیش اومد، و ناخودآگاه توی ذهنت یه لینک بین لاغری و اتفاق بد میسازی که لاغر شدن = وقوع مجدد اتفاقات بد... واسه یه همین دوباره رو میاری به فست و فود و...

اگر بخوای سیگار رو ترک کنی، خوب باید با اون همه استرسی دست و پنجه نرم کنی که باعث شده بیای سراغ سیگار! خوب، دلیلی هم که به خاطرش اومدی سراغ سیگار کشیدن، رهایی از این همه استرس بوده دیگه، پس به خودت میگی: اگه ماه دیگه سیگار رو ترک کنم خیلی بهتره...

برای این خود تخریبی ها مدام استدلال میاری و توجیه می کنی و با این کار ناخودآگاه جلوی موفقیت های خودت رو میگیری و همیشه یه روال زندگی ثابت رو میگذرونی.

چیزی که اینجا داره واقعا اتفاق می افته اینه که شما مدام به جایی برمیگردی که در ذهنت احساس می کنی بهش تعلق داری، جایی که در اون احساس راحتی می کنی، جایی که واست شناخته شده است و بهش عادت کردی و دقیقا واسه ی همینه که می خوای تغییر کنی، اما نمیشه!

اگر کسی یه قرار داد چند میلیاردی برای شما طبق یه سری شرایط بگیره

من به شما تضمین میدم که اگر یک سری باورهای محدود کننده در ذهنتون فعال باشه و ذهنتون برای پول کم پروگرم شده باشه، صد در صد خود تخریبی وارد عمل میشه و امکان نداره این پول به دستتون برسه. بالاخره یه اتفاقی می افته، یه راهی پیدا می کنین تا این فرصت بی نظیر رو از دست بدین. یا دیر تر از ساعت مقرر به دفتر میرسین، یا به جای روزی که مشخص کردین، روز دیگه میان چون فکر می کردین قرار امروز بوده، یا فراموش می کنین، یا به نوعی نمی تونین به محل قرارداد برین...

این دقیقا مثل همون بیت شعریه که میگه " گیرم که به اجبار بری اسب چموش لب چشمه/ تا میل و عطش نیست در او من چه کنم بر سر چشمه"... اگه ذهن شما برای رسیدن به هدفی که دارید پروگرم

خوردن رو به خودت نمی دی... فرصت های بی نظیری واست ایجاد میشه اما با بی توجهی از کنارش رد میشی، چون ذهنت آماده نیست. چون ذهنت واسه ی موفقیت پروگرم نشده، و تا دویاره پرو گرمش نکنی همین آشه و همین کاسه! به صورت ناخودآگاه تمام این فرصت هایی که می تونست موفقیت، ثروت و شادی شما رو تضمین کنه رو از بین می برید تا در همون جایی بمونید که احساس راحتی می کنید، جایی که ذهن شما احساس می کنه شایسته اونه.

تمامی این مسایل و مشکلات به خاطر نحوه ی پروگرم شدن ذهن ماست که به اشتباه پروگرم شده. هیپنوتیزم و خود هیپنوتیزم راه حل بسیار ساده و راحتی برای حل این مشکل داره. هیپنوتیزم مجددا ذهن شما رو پروگرم و برنامه ریزی می کنه تا این موانع رو از بین بیره. افرادی که فکر می کنن اونها هیپنوتیزم نمیشن، یا اصلا نیازی به هیپنوتیزم و

چیزی که در زندگی اونهاست وابسته به هیپنوتیزمه. همه چیز: همسر اونها، شغلشون، مسائل عاطفی اونها، اتوموبیلشون، پول و سرمایه ای که در حساب های بانکشون دارن، وام و بدهی هایی که دارن، دوستای اونها و ... همه چیز! اونها اینطوری پروگرم شدن که به سمت افراد و موقعیت های به خصوص و از پیش تعریف شده ای متمایل بشن و به محض رسیدن به چنین موقعیت ها و افرادی اونها رو بپذیرن. اگر ما واقعا دوست داریم جنبه ی به خصوصی از زندگیمون رو تغییر بدیم، اول از همه باید ذهنمون رو آماده ی پذیرش این تغییر کنیم و گرنه به جایی بر میگردیم که واسه ی اون پروگرم شدیم. جایی که منطقه ی امن و راحتی ماست، جایی که احساس می کنیم بهش تعلق داریم.

دقت کردین چرا بعضی افراد خیلی سخت و شدید تلاش می کنن تا وارد دانشگاه بشن و مدرک بگیرن و دقیقا یک قدم مونده به نتیجه گرفتن متوقف می شن؟ هزار و یک اتفاق می افته که نتونن مدرکشون رو بگیرن. ازدواج می کنن، پول کم میارن، درگیر کسب و کارشون میشن و ... اصلا منطقی به نظر نمی رسه! آخه چرا!؟

اگر شما واقعا چیزی رو بخوای و احساس کنی که شایستگی داشتنش رو داری، حتما راهی واسه ی به دست آوردنش پیدا می کنی. اما مساله اینجاست که از درون باید باور کنی که شایستگی داشتن این خواسته ات رو داری و باید ذهنت رو واسش پروگرم کنی، و اگر از درون نپذیرفته باشی سر و کله ی هومیو استیسیس و خود تخریبی پیدا میشه و متوقف می کنه... چون داری باورها و محدودیت های قبلی رو نقض می کنی.

دقت کردین بعضی افراد مدام وارد رابطه های عاطفی میشن ولی هیچ کدوم از این رابطه ها به ازدواج ختم نمی شه؟ واقعا دوست دارن که ازدواج کنن ولی نمیشه! اغلب علت چنین اتفاقی اینه که ذهن اونها طوری برنامه ریزی شده که هر رابطه ای که ممکنه به ازدواج ختم بشه رو با نوعی خود تخریبی از بین ببره تا از رنج جلوگیری کنه. این برنامه ریزی ذهنی می تونه به خاطر این باشه که این فرد یک ازدواج نا موفق رو در بین دوستان و آشنایان خودش دیده و نا خودآگاه در ذهنش این لینک ذهنی رو ساخته که ازدواج = رنج بردن، و چون ذهن تلاش می کنه او رو از هر نوع رنجی محافظت کنه دست به این خود تخریبی ها می زنه و تمامی این فرصت های عالی رو از بین می بره.

واقعیت امر اینه که خود تخریبی یا هومیو استیسیس اصلا قصدش این نیست که به شما ضربه بزنه و علیه شما کار کنه، بلکه سعی می کنه شما رو در یک حالت ایمن و مطمئن نگه داره. مشکل اصلی اینجاست که وقتی که سن ما بیشتر میشه و یک سری چیزهایی رو به صورت خودآگاه می خوایم، چون ما قبلا به صورت ناخودآگاه پروگرم شدیم که اون چیزها رو نداشته باشیم، نمی تونیم به اهداف و خواسته هامون برسیم.

و این دقیقا همون جاییه که هیپنوتیزم می تونه به ما کمک کنه. ضمیر نا خودآگاه به راحتی می تونه مجددا پروگرم بشه. به جای اینکه فقط به ذهن استدلالی و ضمیر خودآگاهتون اکتفا کنید و تصمیم بگیرید که من پول بیشتری می خوام... یه همسر ایده آل می خوام... می خوام سالم و تندرست باشم و... روش بسیار قدرتمند تری وجود داره که اگر از اون در زندگی خودتون استفاده کنید می تونید این برنامه های ذهنی قدیمی رو دور بریزید و اونهارو با برنامه ی جدید و موثر جایگزین کنید.

اگر ویندوز کامپیوتر شما مثلا ویندوز ۹۸ باشه، لازمه که ویندوز کامپیوترتون رو آپدیت کنید و یه ویندوز جدید تر، مثلا ویندوز سون یا ایت رو نصب کنید. شما با آرزو کردن یا دعا کردن یا حتی وانمود کردن به جایی نمی رسی... باید بری و ویندوز رو عوض کنی، اون..... وقتی بفهمی که همه چیز به خودت بستگی داره اون موقع اوضاع عالی میشه اگه غیر از این فکر میکنی وقت خودتو نگیر و ادامه نده

برای دریافت کتاب کامل و بی نظیر رمز و رازهای ناگفته برای ثروتمند شدن که هزاران نفر از این کتاب استفاده کردند.  
وبه نتایج عالی رسیدند میتونید از لینک زیر دانلود نمایید.

[/http://vanizan.sellfile.ir](http://vanizan.sellfile.ir)